

متن پرسش

«إلهی، چون عوامل طاحونه، چشم بسته و تن خسته‌ام؛ راه بسیاری می‌روم و مسافتی نمی‌پیمایم. وای من اگر دستم نگیری و رهایی‌ام ندهی» سلام استاد. نمی‌دانم چرا هر چی غزل جدید رهبر معظم انقلاب را زیر و رو می‌کنم و با دقت نگاهش می‌کنم می‌بینم انگار قصه من است! یعنی در آینه این غزل فقط خودم را می‌بینم. خدا می‌داند سال‌هاست سرگشته روزگاری پرگاروار دارم. شبانه روز دارم دور خودم می‌چرخم. هم خیلی زخمی و خسته‌ام. هم چاره‌ای از رفتن نیست. هم راه به شدت سنگلاخ است. استاد بحث طلوع و غروب ایمان تا کی ادامه دارد؟ یک زمانی مثلاً ۱۵ سال پیش اصلاً این حرف‌ها نبود. فقط طلوع بود طلوع!

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! هرچه ایمان زنده‌تر باشد، نازش بیشتر است. در جلسه چهارم سوره تغابن در این مورد عرایضی شد. <https://eitaa.com/matalebevijeh/۱۷۳۴۷> و در جلسه اخیر هم غزل حضرت آقا مواردی را در نسبت با ایمان پیش آوردند که راهگشا بود <https://eitaa.com/matalebevijeh/۱۷۵۵۳>. موفق باشید